

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۵/۰۱  
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۳/۰۸

مجله دست آوردهای روان‌شناختی  
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)  
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۵  
دوره‌ی چهارم، سال ۲۳، شماره‌ی ۱  
صص: ۱۳۶-۱۱۵

## ارزیابی اضطراب حالت-صفت و دشواری در تنظیم هیجان: بر اساس ابعاد شخصیتی حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش

سهراب امیری\*

فرزانه میکائیلی منیع\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اضطراب حالت-صفت و دشواری در تنظیم هیجان بر اساس ابعاد شخصیتی حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش بود. به همین منظور، از جامعه دانشجویان پسر دانشگاه ارومیه بر اساس نمرات انتهایی توزیع در پرسش‌نامه حساسیت به پاداش و تنبیه چهار گروه دارای فعالیت بالای سیستم حساسیت به تنبیه، فعالیت پایین سیستم حساسیت به تنبیه، فعالیت بالای سیستم حساسیت به پاداش و فعالیت پایین سیستم حساسیت به پاداش انتخاب شدند. سپس هر گروه به صورت انفرادی در مقیاس اضطراب حالت-صفت و دشواری در تنظیم هیجان مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های توصیفی، تحلیل واریانس چند متغیره، تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون‌های تعقیبی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین چهار گروه بر اساس ابعاد اضطراب حالت-صفت و دشواری در تنظیم هیجان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به نظر می‌رسد فعالیت بالای سیستم حساسیت به تنبیه با تجربه بیشتر اضطراب و دشواری در تنظیم هیجان مرتبط است.

کلید واژگان: اضطراب حالت-صفت، دشواری در تنظیم هیجان، حساسیت به تنبیه، حساسیت به پاداش

\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی شناختی، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

Amirysohrab@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشگاه ارومیه

## مقدمه

جستجو بنیان‌های زیستی رفتار انسان بخش مهمی از دانش ویژگی‌های شخصیتی انسان را شکل داده است. با نفوذترین نظریه‌های این حیطه توسط آیزنک و گری ارائه شده است (آیزنک<sup>۱</sup>، ۱۹۶۷، ۱۹۸۷؛ گری<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱، ۱۹۸۷) که هر دو از این فرضیه که ویژگی‌های شخصیتی منعکس‌کننده تفاوت‌های فردی در کارکرد مغزی است حمایت کرده‌اند. در این میان نظریه حساسیت به تقویت<sup>۳</sup> گری از طریق تمرکز بر پایه‌های زیستی حساسیت فردی نسبت به پاداش و تنبیه شکل یافت.

نظریه حساسیت به تقویت (کر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۸؛ گری و مک‌ناقتون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰)، نظریه‌ای عصبی-زیستی شخصیت است که سه سیستم پایه مغزی، سیستم فعال‌ساز رفتاری<sup>۶</sup>، سیستم بازداری رفتاری<sup>۷</sup> و سیستم جنگ-گریز-انجماد<sup>۸</sup> را مبنای تفاوت‌های فردی مشاهده شده در شخصیت، آسیب‌شناسی روانی و حساسیت به تقویت بیان می‌کند (کر، ۲۰۰۸). سیستم فعال‌ساز رفتاری به عنوان سیستمی روی‌آوردی رفتاری<sup>۹</sup> زیربنای رفتار گرایشی در پاسخ به نشانه‌های شرطی و غیر شرطی پاداش مفهوم‌سازی شده است و با صفات تکانشی و برون‌گرا<sup>۱۰</sup> مرتبط است (کر، ۲۰۰۸). سیستم دوم، سیستم بازداری رفتاری است که تعارض‌های بین اهداف رقابتی (یعنی تعارض‌های گرایش-اجتنابی) را از طریق بازداری رفتاری، افزایش انگیزتگی و ارزیابی خطر حل می‌سازد و همچنین بنیان اضطراب و صفت شخصیتی روان‌رنجوری است (کر، ۲۰۰۴؛ گری و مک‌ناقتون، ۲۰۰۰). در نهایت، سیستم جنگ-گریز-انجماد بازنمایی‌کننده سیستم اجتنابی تدافعی است که اجتناب و رفتار فرار در پاسخ به محرک بیزاری شرطی و غیرشرطی را برانگیخته و ترس و وحشت‌زدگی را منجر می‌گردد (گری و

- 
- 1- Eysenck
  - 2- Gray
  - 3- Reinforcement Sensitivity Theory (RST)
  - 4- Corr
  - 5- McNaughton
  - 6- Behavioural Activation System (BAS)
  - 7- Behavioural Inhibition System (BIS)
  - 8- Fight-Flight-Freeze System (FFFS)
  - 9- Behavioural Approach System
  - 10- Impulsive and extroverted

مکناقتون، ۲۰۰۰). بر این اساس، مفهوم حساسیت به تنبیه و پاداش<sup>۱</sup>، مشتق شده از نظریه حساسیت به تقویت شامل دو سیستم مستقل است که گرایش به سمت محرک مرتبط با پاداش (سیستم روی آوردی رفتاری) و علائم مرتبط با تنبیه (سیستم بازداری رفتاری) را کنترل می‌کند (کر، ۲۰۰۸) و فعالیت بالای سیستم‌های حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش به ترتیب منجر به حساسیت به محرک پاداش دهنده و محرک تنبیهی می‌گردد (کر، ۲۰۰۴).

نظریه حساسیت به تقویت بیان می‌کند که تفاوت‌های فردی در و به طور طبیعی توزیع شده و افراد انتهای این دو پیوستار حساسیت در خطر بالای ابتلا به انواع آسیب‌های روانی قرار دارند (پیکرینگ<sup>۲</sup> و گری، ۱۹۹۹). حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش و زمینه‌ساز دامنه گسترده‌ای از آسیب‌های روانی شامل اختلال‌های اضطرابی، خلقی، سوء مصرف مواد، اختلال خوردن، و اختلال‌های شخصیتی بیان گردیده است (فولز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ گری، ۱۹۹۱؛ کیمبرل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ کیمبرل، کوب، میشل، هانت و نیلسون-گری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸) و بسیاری از این پیش‌بینی‌ها توسط یافته‌های پژوهشی مورد حمایت قرار گرفته‌اند (بیجتیبیر، بک، کلایز و واندرکن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ هانت، کیمبرل، میشل و نیلسون-گری، ۲۰۰۸؛ کیمبرل و همکاران، ۲۰۰۸؛ کیمبرل، میشل و نیلسون-گری، ۲۰۱۰). با این حال، مکانیسم‌هایی که حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش منجر به افزایش خطر آسیب‌شناسی روانی می‌شوند مبهم باقی مانده است (بیجتیبیر و همکاران، ۲۰۰۹). الگوهای تعاملی پیچیده در این بین وجود داشته (هانت، نیلسون-گری، کیمبرل، میشل و کوایی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷) و روابط مستقیم بین حساسیت سیستم جنگ-گریز-انجماد، سیستم بازداری رفتار و سیستم فعال سازی رفتار با آسیب‌های روانی تنها به طور نسبی می‌تواند تبیین‌گر این رابطه باشد (بیجتیبیر و همکاران، ۲۰۰۹). بیجتیبیر و همکاران (۲۰۰۹) دشواری در تنظیم هیجانی<sup>۸</sup> را مکانیسم احتمالی ارتباط بین حساسیت سیستم بازداری رفتاری و سیستم فعال‌ساز رفتاری و آسیب‌های روانی بیان کردند. بنابراین، تنظیم هیجان و

- 
- 1- Sensitivity to Punishment and Reward (SP & SR)
  - 2- Pickering
  - 3- Fowles
  - 4- Kimbrel
  - 5- Cobb, Mitchell, Hundt, Nelson-Gray
  - 6- Bijttebier, Beck, Claes, & Vandereycken
  - 7- Kwapil
  - 8- Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

مکانیسم‌های واسطه‌ای مانند دشواری در تنظیم هیجان، مسیر فهم بیشتر روابط بین سیستم‌های مغزی-رفتاری با آسیب‌های روانی شناخته شده‌اند (آلدائو، نولن هوکسما و شوارتز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بر این اساس، گراتز و تول<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) بررسی روابط بین سیستم جنگ-گریز-انجماد، سیستم بازدارنده رفتار و سیستم فعال سازی رفتار با انواع آسیب‌های روانی مرتبط با دشواری در تنظیم هیجان را مطرح ساخته‌اند.

گراتز و رومر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) مدلی مفهومی برای دشواری در تنظیم هیجان پیشنهاد کردند که دارای چهار وجه مجزا اما مرتبط با هم است: وجه نخست، فقدان آگاهی، درک و پذیرش تجربه هیجانی، وجه دوم، عدم دسترسی به ابزارهای سازگارانه تغییر شدت یا مدت تجربه‌ای عاطفی، وجه بعدی، عدم تمایل به تجربه فشار هیجانی به عنوان بخشی از فرایند دستیابی به هدف و نهایتاً ناتوانی برای نگهداری و پافشاری بر رفتارهای هدف‌دار به هنگام افسردگی است. ویژگی مهم این مدل تمرکز بر شیوه پاسخ‌دهی هیجانی فرد است (نه کیفیت هیجان‌ها) (گراتز و رومر، ۲۰۰۴). بر اساس این مدل، دشواری در تنظیم هیجان در آسیب‌پذیری نسبت به بسیاری از اشکال آسیب‌شناسی روانی موثر دانسته شده (گراتز و تول، ۲۰۱۰) و فرض می‌شود بنیان ارتباط بین شخصیت و آسیب‌شناسی روانی است (لینهان<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). شواهد نظری و تجربی و مدل‌های سبب‌شناسی، نیز نشان دهنده نقش دشواری در تنظیم هیجان در شکل‌گیری و تداوم اختلال‌های اضطرابی است (آماستادتر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ بارلو، آلن و چواته<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ برومری و کرنز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ جاکوب، توماسون، مولن و ساوگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱). همچنین شکل‌گیری تنظیم هیجان و شیوه‌هایی که افراد به هیجان‌ها واکنش نشان داده یا تنظیم می‌کنند با تغییرپذیری در حساسیت سیستم‌های سیستم جنگ-گریز-انجماد، سیستم بازدارنده رفتار و سیستم فعال سازی رفتار مرتبط بوده (دپو و ایاکونو<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹) و پژوهش‌ها ارتباط بین سیستم جنگ-گریز-انجماد و

- 
- 1- Aldao, Nolen-Hoeksema, & Schweizer
  - 2- Gratz & Tull
  - 3- Roemer
  - 4- Linehan
  - 5- Amstadter
  - 6- Barlow, Allen, & Choate
  - 7- Brumariu & Kerns
  - 8- Jacob, Thomassin, Morelen, & Suveg
  - 9- Depue & Iacono

سیستم بازداری رفتار با اختلال‌های شخصیتی را بیان داشته‌اند که ممکن است با توانایی خود تنظیمی به عنوان یک سازه وسیع که تنظیم هیجان را نیز شامل می‌شود، مرتبط باشد (کلایز، ورتومن، اسمیت<sup>۱</sup> و بیجتیر، ۲۰۰۹). از سویی فرضیه ارتباط بین حساسیت سیستم بازداری رفتار و سیستم فعال سازی رفتار با انواع اختلال‌های روانی و ارتباط سیستم فعال‌ساز رفتاری با اختلال سلوک<sup>۲</sup> و افسردگی (کای<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ دیو، کرایس و اسپونت<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷)، و سیستم بازداری رفتاری با اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی<sup>۵</sup> و پیسکوپاتی<sup>۶</sup> (کای، ۱۹۹۷؛ فولز، ۱۹۸۰)، به ویژه اضطراب و اختلال‌های اضطرابی (گری، ۱۹۸۲) که شایع‌ترین مشکلات سلامت روان هستند، مطرح گردیده است (براون<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

اضطراب حالتی از انگیزندگی هیجانی منفی بیان شده است که به واسطه احساس هراس و فقدان کنترل نگرانی مرتبط با رویداد تهدیدزا آینده همراهی می‌شود (بارلو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲؛ ومز و سیلورمن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸). از جنبه‌های مختلفی می‌توان به تبیین آسیب‌شناسی روانی اختلال‌های اضطرابی پرداخت و تلاش‌های بسیاری جهت شناسایی عوامل مرتبط با پدیدآیی و تداوم اختلال اضطراب انجام گرفته است. در این راستا، مطالعات نشان می‌دهند که عوامل خطر اختلال‌های اضطرابی، شامل عوامل محیطی، عوامل ارثی و زیستی می‌شود (سووگ، سووود، کومر و کندل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸). به طور خاص، عوامل سرشتی (مانند بازداری رفتاری) به میزان زیادی با اضطراب رابطه دارند (سووگ و همکاران، ۲۰۰۸). تفاوت‌های فردی در حساسیت سیستم جنگ-گریز-انجماد، سیستم بازداری رفتار و سیستم فعال سازی رفتار به عنوان زیربنای طیف وسیعی از آسیب‌های روانی از جمله اختلال‌های اضطرابی به شمار می‌رود (کیمبرل، ۲۰۰۸؛ هانت و همکاران، ۲۰۰۸). نظریه حساسیت به تقویت از جنبه‌های بیولوژیکی و سرشتی به تبیین آسیب‌شناسی روانی به ویژه اختلال‌های اضطرابی پرداخته است (گری، ۱۹۸۲). منطبق با

- 1- Claes, Vertommen, & Smits,
- 2- Conduct Disorder
- 3- Quay
- 4- Krauss & Spont
- 5- attention deficit and hyperactivity disorder
- 6- Psychopathy
- 7- Brown
- 8- Barlow
- 9- Weems, & Silverman
- 10- Suveg, Sood, Comer, & Kendall

این نظریه اضطراب به عنوان یک مولفه مهم در اختلال‌های اضطرابی با مدارهای مغزی<sup>۱</sup> و انتقال‌دهنده‌های عصبی<sup>۲</sup> خاص ارتباط دارد (گری و مک‌ناقتون، ۲۰۰۰) و ابعاد حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه نظریه حساسیت به تقویت، به عنوان دو بُعد سیستم انگیزشی مرتبط با اضطراب و تکانشوری بیان شده‌اند (اسلودسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). همسو با فرضیات گری (۱۹۸۲)، مطالعات در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی نشان داده است که علائم اضطرابی عمدتاً با حساسیت به تنبیه رابطه دارد و هیچ نوع ارتباطی بین علائم اضطراب و حساسیت به پاداش به دست نیامده است یا ارتباط اندکی نشان داده شده است (بور و مایر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ کمپل-سیلیس، لیوران<sup>۵</sup> و براون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ جانسون، تورنر و ایواتا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳؛ جرم<sup>۸</sup> و همکاران، ۱۹۹۹؛ کیمبرل، نیلسون-گری و میشل، ۲۰۰۷؛ موریس، مستر<sup>۹</sup>، دکانت<sup>۱۰</sup> و تیمرمن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵؛ سگرا<sup>۱۲</sup>، روز، پاستور، مونتانیس، پوی و مولتو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷). مقیاس‌های اضطراب اجتماعی و علائم بالینی وسواسی-اجباری نیز همبستگی بالایی با حساسیت به تنبیه (فعالیت بالای سیستم فعال سازی رفتاری) نشان داده، اما در حساسیت به پاداش (فعالیت بالای سیستم فعال سازی رفتاری) دو گروه تفاوتی با افراد بهنجار نداشتند (کوپلان، ویلسون، فرولیک و زلنسکی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶؛ کیمبرل و همکاران، ۲۰۰۸؛ فولنا<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴).

نظریه حساسیت به تقویت بیان می‌کند تفاوت عصب‌شناختی در سطوح حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه که به ترتیب با سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری رفتاری مرتبط هستند، می‌تواند بر رفتار و حالات عاطفی افراد تاثیر گذارد (گری، ۱۹۹۱). مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بین سیستم‌های مغزی-رفتاری و دامنه گسترده‌ای از اختلال‌های روانپزشکی شامل وسواس (فولنا و همکاران، ۲۰۰۴)، افسردگی (پیتو-

- 
- 1 -brain circuits
  - 2 -neurotransmitter
  - 3 - Slobodskaya
  - 4 - Beevers , Meyer
  - 5 - Campbell-Sills, Liverant, Brown
  - 6 - Johnson, Turner, Iwata
  - 7 - Jorm
  - 8 - Muris, Meesters, De Kanter, Timmerman
  - 9- Segarra
  - 10- Segarra, Ross, Pastor, Montañés, Poy, & Moltó
  - 11- Coplan, Wilson, Frohlick, Zelenski
  - 12- Fullana

منزاً<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶؛ کیمبرل و همکاران، ۲۰۰۷)، اختلال دو قطبی (سالورت، کاسترا، توربینا، فورست، آرانز و توربینا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ آلوی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸)، بیسکوپاتی (نیومن، مک-کوان، وایگن و ساد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) نشخوارگری و علائم پرخوری عصبی (راندلز، فلت، ناش، مک-کروگر و هویت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ کیمبرل و همکاران، ۲۰۰۸) و سو مصرف مواد و الکل رابطه وجود دارد (هانت و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویگت<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). سطوح بالا و پایین حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه با گرایش ابتلا به علائم انواع آسیب‌های روانی مرتبط دانسته شده است هر چند شواهد موجود در این زمینه کاملاً همسان نیستند. در برخی موارد مانند اختلال‌های اضطرابی شواهد همسانی بیشتری دارند درباره ارتباط سیستم‌های مغزی-رفتاری با آسیب‌های روانی وجود دارد، به طوری که حساسیت بالا نسبت به تنبیه منبای اضطراب بیان شده است اما تمایزی بین آسیب‌پذیری نسبت به اضطراب حالت-صفت در پژوهش‌ها بر روی حساسیت به تقویت صورت نگرفته است. از سوی دیگر، نظریه حساسیت به تقویت مسیرهایی را جهت ارتباط بین حساسیت سیستم جنگ-گریز-انجماد، سیستم بازداری رفتار و سیستم فعال سازی رفتار و انواع آسیب‌شناسی و مشکلات روانپزشکی پیشنهاد داده است که فرض می‌شود ریشه در دشواری تنظیم هیجان دارند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی اضطراب حالت-صفت و دشواری در تنظیم هیجان بر اساس ابعاد سیستم حساسیت به پاداش و سیستم حساسیت به تنبیه بود.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به نوع متغیرها و عدم دستکاری آن‌ها به طرح‌های پس رویدادی (علی-مقایسه‌ای) تعلق دارد. جامعه آماری مطالعه کلیه دانشجویان دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بودند. شرکت‌کننده‌های پژوهش ۵۱۰ نفر از دانشجویان بودند، که به صورت

- 
- 1- Pinto-Meza
  - 2- Salavert, Caseras, Torrubia, Furest, Arranz, Dueñas, & et al
  - 3- Alloy
  - 4- Newman, MacCoon, Vaughn, & Sadeh
  - 5- Randles, Flett, Nash, McGregor, & Hewitt
  - 6- Voight

نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین دانشکده‌ها و دانشجویان (روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری) انتخاب شدند. به این ترتیب که در گام نخست هفت دانشکده به طور تصادفی انتخاب شده و از هر دانشکده هشت کلاس به طور تصادفی انتخاب و داده‌های پژوهش از دانشجویان حاضر در این کلاس‌ها جمع‌آوری گردید. با توجه به اهداف پژوهش، پس از تحلیل نتایج اولیه تعداد ۱۰۰ نفر از نمونه اولیه بر اساس نمرات استاندارد شده Z در پرسش‌نامه حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش در قالب چهار گروه انتخاب گردیدند. در گام بعد شرکت‌کنندگان جهت شرکت در مرحله دوم دعوت شدند و با حضور هر آزمودنی در آزمایشگاه روان‌شناسی دارای ویژگی‌های روان‌سنجی و رفع محرک‌های مزاحم به ترتیب پرسش‌نامه اضطراب حالت-صفت و پرسش‌نامه دشواری در تنظیم هیجان در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد تا پاسخ دهند. لازم به ذکر است که شرکت‌کنندگان در مرحله دوم به طور انفرادی مورد سنجش قرار گرفته و به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. در جدول شماره ۱ معیار در نظر گرفته شده برای انتخاب چهار گروه شرکت‌کننده ارائه شده است.

جدول ۱.

معیار انتخاب آزمودنی‌ها در چهار گروه اصلی پژوهش

معیار نمرات معیار بر اساس ابعاد SP و SR	گروه
$ZSR >= 1/2$ & $ZSP <= 0/50$	حساسیت به پاداش بالا
$ZSP <= -1/2$ & $ZSP >= -0/50$	حساسیت به پاداش پایین
$ZSP >= 1/2$ & $ZSR <= 0/50$	حساسیت به تنبیه بالا
$ZSR <= -1/2$ & $ZSP >= -0/50$	حساسیت به تنبیه پایین

### ابزار پژوهش

**الف) پرسشنامه حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش:** جهت سنجش سیستم‌های مغزی/رفتاری از مقیاس حساسیت به پاداش و تنبیه (تورینا، آویلا، مولتو و کاسراس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) استفاده گردید. این مقیاس خود گزارشی توسط تورینا و همکاران (۲۰۰۱) و به منظور سنجش تفاوت‌های فردی در فعالیت سیستم بازداری و فعال‌ساز رفتاری تدوین شده و شامل ۴۸ ماده

1- Torrubia, Avila, Molto, & Caseras



شامل گویه‌هایی در مورد علایق و احساسات فرد بوده به صورتی که گویه‌های فرد حساسیت به تنبیه و گویه‌های زوج حساسیت به پاداش را سنجیده و در مجموع دو بعد حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند. ماده‌ها بر اساس موافقت یا مخالفت با هر سوال به صورت بله و خیر (۱ بله، ۲ خیر) پاسخ داده می‌شوند. نمره آزمودنی در مجموعه پرسش‌ها بین ۴۸ تا ۹۶ قرار می‌گیرد. طراحان اصلی برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه، آن را روی ۲۱۴۰ دانشجوی کارشناسی اجرا کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۲ بدست آمد. پایایی این پرسشنامه در ایران میکائیلی منیع و امیری (زیر چاپ) با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس حساسیت به تنبیه ۰/۷۳ و حساسیت به پاداش ۰/۷۶، ضرایب بازآزمایی ۰/۷۵ و ۰/۷۱ و نیز ضرایب دو نیم سازی ۰/۷۳ و ۰/۷۳ به ترتیب به دست آمد که نشان دهنده پایایی و روایی مطلوب این پرسشنامه بود

ب) **مقیاس دشواری در تنظیم هیجان:** مقیاس دشواری‌های تنظیم هیجانی یک شاخص خود گزارشی است که توسط گراتز و رومر در سال ۲۰۰۴ و برای ارزیابی دشواری‌های موجود در تنظیم هیجان به شکل جامع‌تری نسبت به ابزارهای موجود در این زمینه ساخته شده است و دارای ۳۶ عبارت می‌باشد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری شده و سوالات ۱، ۲، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۴، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نتایج مربوط به پایایی، نشان می‌دهند که این مقیاس دارای همسانی درونی مطلوب ( $\alpha = 0.93$ ) است. در رابطه با روایی نیز بررسی‌ها نشانگر روایی سازه و پیش‌بین مطلوب این مقیاس است (گراتز و رومر، ۲۰۰۴). همچنین پایایی فرم ترجمه شده به فارسی این مقیاس طی یک مطالعه مقدماتی بر روی ۴۸ دانشجوی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد، مورد محاسبه قرار گرفته و ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در فرهنگ ایرانی بررسی گردید است که ضرایب آلفای زیرمقیاس‌های عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه، نبود آگاهی هیجانی، راهبردهای محدود و نبود وضوح هیجانی به ترتیب برابر ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۸۱، ۰/۷۴، ۰/۶۶ و ۰/۸۳ به دست آمده است، همچنین ضرایب بازآزمایی بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ گزارش شده است که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است (خانزاده، سعیدیان، حسین

چاری، و آدریسی، (۱۳۹۱).

**ج) پرسش‌نامه اضطراب حالت-صفت:** پرسش‌نامه اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگر یک وسیله خودسنجی است که به طور گسترده‌ای به کار رفته است. این پرسش‌نامه شامل دو مقیاس خودگزارشی جداگانه برای اندازه‌گیری دو مفهوم متمایز، اما وابسته به اضطراب است. مقیاس اضطراب حالت، شامل ۲۰ جمله است که در آن از افراد خواسته می‌شود که میزان احساس اضطراب خود را در زمان اجرای پرسش‌نامه گزارش کنند. شدت احساس اضطراب ذهنی به وسیله یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی کم، کم، زیاد، خیلی زیاد) مشخص می‌شود. مقیاس اضطراب صفت نیز شامل ۲۰ جمله است که فرد باید احساس کلی خود را در اکثر اوقات مشخص سازد. مقدار فراوانی نشانه اضطراب تجربه شده با چهار درجه (تقریباً هرگز، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و تقریباً همیشه) مشخص می‌شود (اسپیلبرگر، ۱۹۸۸). در مقیاس اضطراب حالت، نمره ۲۰ تا ۳۱ اضطراب خفیف، نمره ۳۲ تا ۴۲ اضطراب متوسط به پایین، نمره ۴۳ تا ۵۳ اضطراب متوسط به بالا، نمره ۵۴ تا ۶۴ اضطراب نسبتاً شدید، نمره ۶۵ تا ۷۵ اضطراب شدید و نمره ۷۶ تا ۸۰ اضطراب بسیار شدید را نشان می‌دهند. در حالی که در مقیاس اضطراب صفت نمره ۲۰ تا ۳۱ اضطراب خفیف، نمره ۳۲ تا ۴۲ اضطراب متوسط به پایین، نمره ۴۳ تا ۵۲ اضطراب متوسط به بالا، نمره ۵۳ تا ۶۲ اضطراب نسبتاً شدید، نمره ۶۳ تا ۷۲ اضطراب شدید و نمره ۷۳ تا ۸۰ اضطراب بسیار شدید را نشان می‌دهند. همسانی درونی مقیاس اضطراب حالت-صفت نسبتاً بالا گزارش شده است (اسپیلبرگر، ۱۹۸۸). ضریب آلفای مقیاس اضطراب موقعیتی ۰/۹۰ و پایایی مقیاس اضطراب صفت به شیوه بازآزمایی بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۶ برای یک ساعت تا ۱۴۰ روز است؛ پایایی بازآزمایی مقیاس اضطراب حالت پایین است برای این که این آزمون به تغییر اضطراب در نتیجه استرس موقعیتی حساس است (اسپیلبرگر، ۱۹۸۸). پناهی شهری (۱۳۷۲) ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه را نمونه جمعیتی ایرانی مورد بررسی قرار داده و به روش بازآزمایی، برای مقیاس اضطراب صفت همبستگی ۰/۸۴ و برای مقیاس اضطراب حالتی همبستگی ۰/۷۶ به دست آورد. همچنین برای مقیاس حالت اضطراب و رگه اضطراب ضریب آلفای ۰/۹۰ گزارش شده است (پناهی شهری، ۱۳۷۲).

## نتایج

در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای سن، دشواری در تنظیم هیجان، اضطراب حالت و اضطراب صفت، در چهارگروه (حساسیت به تنبیه بالا، حساسیت به تنبیه پایین، حساسیت به پاداش بالا، حساسیت به پاداش پایین) درج گردیده است.

جدول ۲.

شاخص‌های توصیفی سن، دشواری در تنظیم هیجان، اضطراب حالت-صفت در چهار گروه شخصیتی

گروه	سن		دشواری تنظیم هیجان		اضطراب حالت		اضطراب صفت	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
حساسیت به تنبیه بالا	۲۰/۳۱	(۳/۱۲)	۱۰۲/۳	۱۵/۵	۶۶/۲	۵/۴	۵۶/۶	۵/۷
حساسیت به تنبیه پایین	۲۰/۱۶	(۳/۵۱)	۸۳/۹	۱۳/۱	۴۷/۱	۶/۳	۴۵/۷	۳/۳
حساسیت به پاداش بالا	۲۱/۱۱	(۳/۰۸)	۲۰/۳۳	۵/۸۶	۲۰/۵۹	۵/۸۸	۲۰/۴۷	۵/۸۰
حساسیت به پاداش پایین	۲۱/۰۹	(۳/۰۴)	۲۸/۹۰	۷/۴۲	۲۸/۹۰	۷/۴۲	۲۸/۹۰	۷/۴۲

به منظور مقایسه چهار گروه شخصیتی در دشواری در تنظیم هیجان و اضطراب حالت-صفت از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتیجه آزمون  $M$  باکس ( $p > 0/01$ )؛  $F(18, 32566/969) = 1/02$  نشان داد که مفروضه یکسانی ماتریس واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته برقرار است و می‌توان از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده نمود. در جدول ۳ نتایج آزمون‌های چند متغیر اثر پیلایی<sup>۱</sup>، لامبدای ویلکز<sup>۲</sup>، هتلینگ<sup>۳</sup> و بزرگترین ریشه روی<sup>۴</sup> مشاهده می‌شود.

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین چهار گروه شخصیتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه معنی‌دار بودن اثرات گروهی، به منظور اینکه

- 1- Pillay effect
- 2- Wilks Lambda
- 3- Hotelling
- 4- largest root

مشخص شود این تفاوت‌ها در کدام گروه‌ها و کدام سطح از متغیرها قرار دارد از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون‌های تعقیبی استفاده شد، که نتایج آن در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود.

## جدول ۳.

تحلیل واریانس چند متغیره مقایسه گروه‌ها در ابعاد دشواری در تنظیم هیجان و اضطراب حالت-صفت

نام آزمون	ارزش	df فرضیه	df خطا	F	اتا ( $\eta^2$ )	سطح معنی داری
اثر پیلائی	۰/۲۶۷	۹	۲۸۸	۳/۱۲	۰/۰۸۹	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۷۴۳	۹	۲۲۸	۳/۳۰	۰/۰۹۴	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۰/۳۳۴	۹	۲۷۸	۳/۴۳	۰/۱۰۰	۰/۰۰۰
بزرگترین ریشه روی	۰/۲۹۱	۳	۹۶	۹/۳۲	۰/۲۲۳	۰/۰۰۰

## جدول ۴.

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه چهار گروه آزمودنی در تنظیم هیجان و اضطراب حالت-صفت

متغیر وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری
اضطراب حالت	بین گروهی	۲۱/۸۰	۷/۲۶	۳	۰/۳۲	۰/۸۱۰
اضطراب صفت	بین گروهی	۱۰۸/۱۹	۳۶/۰۶	۳	۴/۳۱	۰/۰۰۰
دشواری تنظیم هیجان	بین گروهی	۷۱۱۷/۵۲	۲۳۷۲/۵۰	۳	۸/۰۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۴ و ۵، مقایسه چهار گروه در ابعاد اضطراب حالت-صفت تفاوت معنی‌داری را نشان داد، افراد با حساسیت به تنبیه بالا در بُعد اضطراب صفت در مقایسه با ابعاد شخصیتی دیگر میزان اضطراب بالاتری داشتند در اضطراب حالت تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها یافت نشد. در زیرمقیاس‌های دشواری در تنظیم هیجان تفاوت معنی‌داری یافت شد به این صورت که افراد با گروه شخصیتی حساسیت به تنبیه بالا در دشواری تنظیم هیجان در مقایسه با گروه حساسیت به تنبیه پایین، حساسیت به پاداش پایین و حساسیت به پاداش بالا نمرات بالاتری را به دست آوردند، به عبارت دیگر گروه شخصیتی حساسیت به تنبیه بالا دشواری بیشتری در تنظیم هیجان داشتند.

جدول ۵.

نتایج آزمون تعقیبی توکی مقایسه چهار گروه آزمودنی در تنظیم هیجان و اضطراب حالت-صفت

متغیر	منبع مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد
اضطراب حالت	HSR-HSP	-۱/۲۸	۱/۳۴
	LSP-HSP	-۰/۷۶	۱/۳۴
	LSR-HSP	-۰/۹۲	۱/۳۴
	LSP-HSR	۰/۵۲	۱/۳۴
	LSR-HSR	۰/۳۶	۱/۳۴
	LSR-LSP	-۰/۱۶	۱/۳۴
اضطراب صفت	HSR-HSP	***۵/۲۳	۱/۴۸
	LSP-HSP	*۴/۷۵	۱/۴۸
	LSR-HSP	۰/۵۲	۱/۴۸
	LSP-HSR	۲/۲۳	۱/۴۸
	LSR-HSR	۱/۴۸	۱/۴۸
	LSR-LSP	۱/۲۸	۱/۴۸
دشواری در تنظیم هیجان	HSR-HSP	-۷/۹۶	۴/۸۶
	LSP-HSP	*۱۸/۴۸	۴/۸۶
	LSR-HSP	*۲۱/۰۸	۴/۸۶
	LSP-HSR	-۱۰/۵۲	۴/۸۶
	LSR-HSR	*-۱۳/۱۲	۴/۸۶
	LSR-LSP	-۲/۶۰	۴/۸۶

\* $p < 0.05$  \*\*\* $p < 0.001$ 

HSP (حساسیت به تنبیه بالا)      LSP (حساسیت به تنبیه پایین)  
 HSR (حساسیت به پاداش بالا)      LSR (حساسیت به پاداش پایین)

### بحث و نتیجه‌گیری

اگر چه نتایج مطالعات صورت گرفته نشان داده است که در مجموع حساسیت سیستم فعال‌ساز رفتاری مبتنی بر حساسیت به پاداش و سیستم بازداری رفتاری مبتنی بر حساسیت به تنبیه با انواع خاصی از آسیب‌شناسی روانی همبسته هستند، اما همچنین بیانگر این است که تلاش‌های پژوهشی چندانی باقی مانده تا روی ابعاد حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه صورت گیرد. از این رو مطالعه حاضر به بررسی ابعاد دشواری در تنظیم هیجان، همچنین اضطراب حالت-صفت بر اساس حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه پرداخت. نتایج نشان

داد که اضطراب حالت-صفت به طور متفاوتی با ابعاد نظریه حساسیت به تقویت شامل حساسیت به پاداش و حساسیت به تنبیه مرتبط هستند. به طوری که افراد با حساسیت به تنبیه بالا در مقایسه با افراد با حساسیت به تنبیه پایین و همچنین افراد با حساسیت به پاداش بالا نمرات بالاتری در اضطراب صفتی به دست آوردند. این یافته همخوان با نظریه گری (گری، ۱۹۸۲) و سایر مطالعاتی است که ارتباط بین حساسیت به تنبیه بالا با انواع اختلال‌های اضطرابی شامل اضطراب اجتماعی (کوپلان و همکاران، ۲۰۰۶؛ کیمبرل و همکاران، ۲۰۰۸) و همچنین وسواسی-اجباری را نشان داده‌اند (فولنا و همکاران، ۲۰۰۴). علیرغم همخوانی یافته‌های مطالعه حاضر و پژوهش‌های پیشین صورت پذیرفته روی روابط بین حساسیت نسبت به تنبیه و انواع اختلال‌های اضطرابی، یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های قبلی پیرامون ارتباط اضطراب و حساسیت نسبت به تنبیه را گسترش داد به این صورت که حساسیت نسبت به تنبیه را به صورت مرتبط با اضطراب صفتی نشان داد تا اضطراب حالتی. با توجه به اینکه نظریه حساسیت به تقویت (گری، ۱۹۸۲) به عنوان نظریه شخصیتی بیان شده است این یافته اینگونه تبیین‌پذیر به نظر می‌رسد که سیستم‌های حساسیت به پاداش و تنبیه بنیان زیستی شخصیت بوده و بنابراین بیشتر با اضطراب صفتی به عنوان بُعد شخصیتی اضطراب مرتبط هستند تا اضطراب حالتی که بیشتر متأثر از عوامل گذرا و محیطی است. زمانی که یافته‌های مربوط به نظریه حساسیت به تقویت و تفسیرهای مرتبط با آن را در نظر می‌گیریم، می‌توان نتیجه گرفت که حساسیت نسبت به تنبیه به طور نیرومندی با انواع اضطراب مرتبط است در حالی که حساسیت نسبت به پاداش هیچ نوع ارتباطی با اضطراب ندارد. همچنین پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (کاشدن و روبرتز، ۲۰۰۶) مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین حساسیت نسبت به پاداش و علائم اضطراب همسویی داشت.

هدف دیگر پژوهش حاضر بررسی دشواری در تنظیم هیجان بر اساس ابعاد حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش بود، همچنان که انتظار می‌رفت و همسان با پژوهش‌های پیشین (تول و همکاران، ۲۰۱۰)، افراد با حساسیت بالای حساسیت نسبت به تنبیه دشواری در تنظیم هیجان بیشتری گزارش کردند. به لحاظ نظری حساسیت بالای حساسیت نسبت به تنبیه ممکن است واکنش هیجانی منفی افراد را افزایش دهد (کر، ۲۰۰۴؛ کر و مک‌ناقتون، ۲۰۰۸)، که اگر رویدادهای هیجانی به صورت کاملاً منفی دیده شوند نتیجه آن می‌تواند استفاده از راهبردهای

تنظیم هیجانی برای تنظیم هیجان باشد (بیچتیر و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین نتایج نشان داد که حساسیت بالای حساسیت نسبت به تنبیه به طور مثبت با سایر راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجانی به ویژه عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، دشواری در انجام رفتار هدفمند، دشواری در کنترل تکانه و راهبردهای محدود مرتبط است، این یافته همسو با مطالعه پیکت و همکاران (۲۰۱۱) است. از سویی، عدم وجود رابطه بین حساسیت نسبت به پاداش و دشواری تنظیم هیجان بیان کننده این است که پاسخ‌دهی پایین‌تر نسبت به پاداش با دشواری در تنظیم هیجان بیشتر مرتبط است، هر چند مقایسه گروه‌های با حساسیت به پاداش بالا با حساسیت به پاداش پایین به منظور بررسی این فرضیه تفاوت معنی‌داری نشان نداد اما در بیشتر زیر مقیاس‌های دشواری در تنظیم هیجان گروه حساسیت پایین نسبت به پاداش نمرات بالاتری داشته و به نظر دشواری در تنظیم هیجان بیشتری را تجربه می‌کنند. کاهش پاسخ نسبت به پاداش‌های هیجانی مثبت مقاومت افراد نسبت به تجارب منفی را مختل ساخته (تاگد و فردیکسون، ۲۰۰۴) و ممکن است بر توانایی افراد در تشخیص یا انتظار وقوع پاداش تاثیر گذاشته (هنریک و داویدسون، ۲۰۰۰) و در نهایت، توانایی تعدیل واکنش‌پذیری هیجانی آن‌ها را مختل سازد (تایگد و فردیکسون، ۲۰۰۴). این نوع واکنش به هنگام انطباق با تجارب منفی زندگی آسیب رسان بوده و ممکن است افراد را در برابر استرس‌های روزانه مستعد سازد. از طرفی دیگر، رویدادهای منفی زندگی ممکن است به صورت منفی ارزیابی یا تجربه شوند زیرا افراد در پیش‌بینی یا جستجوی تجارب پاداش دهنده بیرونی مشکل دارند.

به طور کلی این مدل بیان می‌کند که حساسیت به تنبیه بالا با دشواری در تنظیم هیجان مرتبط است. این یافته‌ها، نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر اینکه حساسیت نسبت به تنبیه به همراه دشواری در تنظیم هیجان با وضعیت سلامت پایین‌تر (مانند علائم اضطرابی) مرتبط است را بیشتر بسط و کامل می‌سازد (پیکت و همکاران، ۲۰۱۱) همچنان که در پژوهش حاضر نیز نشان داده شد حساسیت بالای حساسیت نسبت به تنبیه با اضطراب و دشواری در تنظیم هیجان مرتبط است.

یافته‌های حاضر بیان می‌کند که واکنش‌پذیری پایین نسبت به پاداشو حساسیت بالا به

---

1- Tugade & Fredrickson

2- Henriques & Davidson

محرك بيزاری آور می‌تواند زمينه ساز دشواری‌های تنظيم هيجان گردد. بر این اساس، دشواری در تنظيم هيجان منجر به انواع آسیب‌های روانی به ویژه علائم اضطرابی می‌شود. بنابراین، در حالی که تجربه و ابراز هيجان مرکز اضطراب هستند (جاکوب و همکاران، ۲۰۱۱). مدل‌های سبب‌شناسی دشواری در تنظيم هيجان را به عنوان عاملی که به شکل‌گیری و تداوم اضطراب کمک می‌کند بیان داشته‌اند (بروماری و کرنس، ۲۰۱۰؛ جاکوب و همکاران ۲۰۱۱؛ سوتام-گرو و کندال، ۲۰۰۲؛ تامسون، ۲۰۰۱). همچنان که در نتایج پژوهش حاضر نشان داده شد دشواری در تنظيم هيجان با حساسیت بالا نسبت به تنبیه بالا مرتبط است و همچنین مشخص گردید که حساسیت بالا نسبت به تنبیه بالا بنیان اضطراب و اختلال‌های اضطرابی بر مبنای نظریه حساسیت به تقویت را شکل می‌دهد. بنابراین، مسیر دیگر ارتباط حساسیت به تنبیه بالا با دشواری تنظيم هيجان به نظر می‌رسد از طریق فرایندهای نظارتی تنظيم هيجان، مانند گوش به زنگی نسبت به علائم تهدید باشد که با سیستم حساسیت نسبت به تنبیه مرتبط هستند؛ به این صورت که این فرایندهای نظارتی با نگه داشتن تمرکز افراد روی تهدیدهای بالقوه موجب تداوم و حفظ اضطراب می‌گردند. شواهد تجربی نیز از این دیدگاه حمایت می‌کند (موريس و همکاران، ۲۰۰۰؛ وازی و همکاران، ۱۹۹۵). در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر نقش ابعاد زیستی شخصیت بر آسیب‌های روانی مختلف به ویژه ابعاد اضطراب بود. نتایج همچنین نشان دهنده روابط رگه‌های شخصیتی با دشواری در تنظيم هيجان به عنوان سازه مرتبط با اضطراب است. زمانی که شخصیت به سمت ابعاد آسیب‌شناسی کشیده می‌شود (فعالیت بالای نظام حساسیت به تنبیه و فعالیت پایین حساسیت به پاداش) منجر به نقص در فرایندهای تنظيم هيجان و در نتیجه بروز حالات اضطرابی می‌گردد.

پژوهش حاضر روی جامعه دانشجویان صورت پذیرفت که به جمعیت بهنجار تعلق دارند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌های مشابهی از منظر تطبیقی روی گروه‌های سنی دیگر شامل نوجوانان و بزرگسالان صورت گیرد. همچنین با توجه به اینکه دشواری در تنظيم هيجان می‌تواند با ابعاد شخصیتی و روان‌شناختی گوناگون مرتبط باشد بنابراین، مطالعه این ابعاد مختلف به نظر می‌رسد در ایجاد و گسترش دیدگاه‌های نظری و تجربی پیرامون روابط بین دشواری در تنظيم هيجان با سازه‌های دیگر مانند مکانیسم‌های مقابله‌ای، هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی سودمند باشد. در زمینه تفاوت‌های فرد پژوهش حاضر سیستم‌های



فعال‌ساز رفتاری و بازداری رفتاری را به عنوان متغیر بین فردی مورد بررسی قرار داد، به طور مشابه توصیه می‌گردد تا با بهره‌گیری از سایر ابزارهای سنجش شخصیت اعتبار نتایج پژوهش حاضر افزایش یابد و همچنین باید توجه داشت که پژوهش حاضر روی جمعیت بهنجار صورت گرفت؛ بنابراین در تعمیم نتایج حاصل از آن به سایر گروه‌های جمعیتی و بالینی باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

### منابع

- پناهی شهری، محمود (۱۳۷۲). بررسی مقدماتی روایی، اعتبار و نرم‌یابی فهرست حالت-رگه اضطراب اسپیلبرگر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- خانزاده، مصطفی، سعیدیان، محسن، حسین چاری، مسعود و آدریسی، فروغ (۱۳۹۱). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دشواری در نظم‌بخشی هیجانی. *مجله علوم رفتاری*، ۶(۱): ۸۷-۹۶.
- میکائیلی منیع، فرزانه و امیری، سهراب (زیر چاپ). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس حساسیت به تنبیه و حساسیت به پاداش در نمونه جمعیتی بهنجار. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی.
- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: a Meta analytic review. *Clinical Psychology Review*, 30, 217-237.
- Alloy, L. B., Abramson, L. Y., Walshaw, P. D., Cogswell, A., Grandin, L. D., Hughes, M. E., & et al. (2008). Behavioral approach system and behavioral inhibition system sensitivities and bipolar spectrum disorders: Prospective prediction of bipolar mood episodes. *Bipolar Disorders*, 10, 310-322.
- Amstadter, A. (2008). Emotion regulation and anxiety disorders. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 211-221.
- Barlow, D. (2002). *Fear, anxiety, and theories of emotion*. In D. Barlow (Ed.), *Anxiety and its disorders* (pp. 37e63). New York: Guildford Press.

- Barlow, D. H. (2000). Unraveling the mysteries of anxiety and its disorders from the perspective of emotion theory. *American Psychologist*, 55, 1247-1263.
- Barlow, D. H., Allen, L. B., & Choate, M. L. (2004). Toward a unified treatment for emotional disorders. *Behavior Therapy*, 35, 205-230.
- Beevers, C. G., & Meyer, B. (2002). Lack of positive experiences and positive expectancies mediate the relationship between BAS responsiveness and depression. *Cognition and Emotion*, 16, 549-564.
- Bijttebier, P., Beck, I., Claes, L., & Vandereycken, W. (2009). Gray's Reinforcement Sensitivity Theory as a framework for research on personality-psychopathology associations. *Clinical Psychology Review*, 29, 421-430.
- Brown, R. T., Antonuccio, D. O., DuPaul, G. J., Fristad, M. A., King, C. A., Leslie, L. K., & et al. (2008). Anxiety disorders. In R. T. Brown, D. O. Antonuccio, G. J. DuPaul, M. A. Fristad, C. A. King, & L. K. Leslie (Eds.), *Childhood mental health disorders: Evidence base and contextual factors for psychosocial, psychopharmacological, and combined interventions (59-67)*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2010). Parent-child attachment and internalizing symptoms in childhood and adolescence: a review of empirical findings and future directions. *Development and Psychopathology*, 22, 177-203.
- Campbell-Sills, L., Liverant, G. I., & Brown, T. A. (2004). Psychometric evaluation of the Behavioral Inhibition/Behavioral Activation Scales in a large sample of outpatients with anxiety and mood disorders. *Psychological Assessment*, 16, 244-254.
- Claes, L., Vertommen, S., Smits, D., & Bijttebier, P. (2009). Emotional reactivity and self-regulation in relation to personality disorders. *Personality and Individual Differences*, 47, 948-953.
- Coplan, R. J., Wilson, J., Frohlick, S. L., & Zelenski, J. (2006). A person-oriented analysis of behavioral inhibition and behavioral activation in children. *Personality and Individual Differences*, 41, 917-927.
- Corr, P. J. (2004). Reinforcement sensitivity theory and personality. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 28, 317-332.
- Corr, P. J. (2008). *Reinforcement sensitivity theory (RST): Introduction*. In P. J. Corr (Ed.), *the reinforcement sensitivity theory of personality (1-43)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Corr, P. J., & McNaughton, N. (2008). *Reinforcement sensitivity theory and personality*. In: Corr, P.J. (Ed.), *the Reinforcement Sensitivity Theory of Personality*. Cambridge University Press, New York, 155-187.

- Depue, R. A., & Iacono, W. G. (1989). Neurobehavioral aspects of affective disorders. *Annual Review of Psychology*, 40, 457-492.
- Depue, R. A., Krauss, S. P., & Spoont, M. R. (1987). A two-dimensional threshold model of seasonal bipolar affective disorder. In D. Magnuson & A. Ohman (Eds.), *Psychopathology: An interactional perspective* (pp. 95-123). San Diego, CA: Academic Press.
- Eysenck, H. J. (1967). *The biological basis of personality*. Springfield: Thomas.
- Eysenck, H. J. (1987). The place of anxiety and impulsivity in a dimensional framework. *Journal of Research in Personality*, 21, 489-492.
- Fowles, D. C. (1980). The three arousal model: Implications of Gray's two-factor learning theory for heart rate, electrodermal activity, and psychopathy. *Psychophysiology*, 17, 87-104.
- Fowles, D. C. (2001). *Biological variables in psychopathology: A psychobiological perspective*. In H. E. Adams & P. B. Sutker (Eds.), *Comprehensive handbook of psychopathology* (85-141). New York: Kluwer Academic/Plenum.
- Fullana, M., Mataix-Cols, D., Trujillo, J. L., Caseras, X., Serrano, F., Alonso, P., & et al. (2004). Personality characteristics in obsessive-compulsive disorder and individuals with subclinical obsessive-compulsive problems. *British Journal of Clinical Psychology*, 43, 387-398.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26, 41-54.
- Gratz, K. L., & Tull, M. T. (2010). *Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance- and mindfulness-based treatments*. In R. Baer (Ed.), *Assessing mindfulness and acceptance processes in clients: Illuminating the theory and process of change* (107-133). Oakland, CA: New Harbinger Publications.
- Gray, A. J. (1981). *A critique of Eysenck's theory of personality*. In H. J. Eysenck (Ed.), *A model for personality*. Berlin: Springer.
- Gray, A. J. (1987). *The psychology of fear and stress*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gray, J. A. (1982). *The neuropsychology of anxiety: An inquiry into the functions of the septal-hippocampal system*. Oxford: Oxford University Press.
- Gray, J. A. (1991). *The neuropsychology of temperament*. In J. Strelau & A. Angleitner (Eds.), *Explorations in temperament: International perspectives on theory and measurement: Perspectives on individual differences* (105-128). New York: Plenum.

- Gray, J. A., & McNaughton, N. (2000). *The neuropsychology of anxiety (2nd ed.)*. New York: Oxford University Press.
- Henriques, J.B., & Davidson, R.J. (2000). Decreased responsiveness to reward in depression. *Cognition and Emotion, 14*, 711-724.
- Hundt, N. E., Kimbrel, N. A., Mitchell, J. T., & Nelson-Gray, R. O. (2008). High BAS, but not low BIS, predicts externalizing symptoms in adults. *Personality and Individual Differences, 44*, 565-575.
- Hundt, N. E., Nelson-Gray, R. O., Kimbrel, N. A., Mitchell, J. T., & Kwapil, T. R. (2007). The interaction of reinforcement sensitivity and life events in the prediction of anhedonic depression and mixed anxiety-depression symptoms. *Personality and Individual Differences, 43*, 1001-1012.
- Jacob, M. L., Thomassin, K., Morelen, D., & Suveg, C. (2011). *Emotion regulation in childhood anxiety*. In D. McKay, & E. A. Storch (Eds.), *Handbook of child and adolescent anxiety disorders (171e185)*. New York: Springer Science & Business Media.
- Johnson, S. L., Turner, R. J., & Iwata, N. (2003). BIS/BAS Levels and psychiatric disorder: An epidemiological study. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 25*, 25-36.
- Jorm, A. F., Christensen, H., Henderson, A. S., Jacomb, P. A., Korten, A. E., & Rodgers, B. (1999). Using the BIS/BAS scales to measure behavioral inhibition and behavioral activation: Factor structure, validity and norms in a large community sample. *Personality and Individual Differences, 26*, 49-58.
- kashdan, T. B., & Roberts, J. E. (2006). Affective outcomes in superficial and intimate interactions: Roles of social anxiety and curiosity. *Journal of Research in Personality, 40*, 140-167.
- Kimbrel, N. A. (2008). A model of the development and maintenance of generalized social phobia. *Clinical Psychology Review, 28*, 592-612.
- Kimbrel, N. A., Cobb, A. R., Mitchell, J. T., Hundt, N. E., & Nelson-Gray, R. O. (2008). High sensitivity to punishment and exposure to low maternal care account for the link between bulimic and social anxiety symptomatology. *Eating Behaviors, 9*, 210-217.
- Kimbrel, N. A., Mitchell, J. T., & Nelson-Gray, R. O. (2010). An examination of the relationship between behavioral approach system (BAS) sensitivity and social interaction anxiety. *Journal of Anxiety Disorders, 24*, 372-378.
- Kimbrel, N. A., Nelson-Gray, R. O., & Mitchell, J. T. (2007). Reinforcement sensitivity and maternal style as predictors of psychopathology. *Personality and Individual Differences, 42*, 1139-1149.
- Linehan, M. M. (1993). *Cognitive-behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: Guilford Press.

- Muris, P., Meesters, C., De Kanter, E., & Timmerman, P. E. (2005). Behavioral inhibition and behavioral activation system scales for children: Relationships with Eysenck's personality traits and psychopathological symptoms. *Personality and Individual Differences, 38*, 831-841.
- Muris, P., Merckelbach, H., Gadet, B., & Meesters, C. (2000). Monitoring and anxiety disorders symptoms in children. *Personality and Individual Differences, 29*, 775-781.
- Newman, J. P., MacCoon, D. G., Vaughn, L. J., & Sadeh, N. (2005). Validating a distinction between primary and secondary psychopathy with measures of Gray's BIS and BAS constructs. *Journal of Abnormal Psychology, 114*, 319-323.
- Pickering, A. D., & Gray, J. A. (1999). *The neuroscience of personality*. In L. A. Pervin, & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (277-299). 2nd ed. New York: Guilford Press.
- Pickett, S.M., Bardeen, J. R., & Orcutt, H.K. (2011). Experiential avoidance as a moderator of the relationship between behavioral inhibition system sensitivity and posttraumatic stress symptoms. *Journal of Anxiety Disorders, 25*, 1038-1045.
- Pinto-Meza, A., Caseras, X., Soler, J., Puigdemont, D., Perez, V., & Torrubia, R. (2006). Behavioral inhibition and behavioral activation systems in current and recovered major depression participants. *Personality and Individual Differences, 40*, 215-226.
- Quay, H. C. (1993). The psychobiology of undersocialized aggressive conduct disorder: A theoretical perspective. *Development and Psychopathology, 5*, 165-180.
- Quay, H. C. (1997). Inhibition and attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology, 25*, 7-13.
- Randles, D., Flett, G. L., Nash, K. A., McGregor, I. D., & Hewitt, P. L. (2010). Dimensions of perfectionism, behavioral inhibition, and rumination. *Personality and Individual Differences, 49*, 83-87.
- Salavert, J., Caseras, X., Torrubia, R., Furest, S., Arranz, B., Dueñas, R., & et al. (2007). The functioning of the behavioral activation and inhibition systems in bipolar I euthymic patients and its influence in subsequent episodes over an eighteenmonth period. *Personality and Individual Differences, 42*, 1323-1331.
- Segarra, P., Ross, S. R., Pastor, M. C., Montañés, S., Poy, R., & Moltó, J. (2007). MMPI-2 predictors of Gray's two-factor reinforcement sensitivity theory. *Personality and Individual Differences, 43*, 437-448.
- Slobodskaya, H. R. (2007). The associations among the Big Five, Behavioral Inhibition and Behavioral Approach systems and child and adolescent adjustment in Russia. *Personality and Individual Differences, 43*, 913-924.

- Southam-Gerow, M. A., & Kendall, P. C. (2002). Emotion regulation and understanding: implications for child psychopathology and therapy. *Clinical Psychology Review, 22*, 189-222.
- Spielberger, C. D. (1988). *Professional Manual for the State-Trait Anger Expression Inventory*. Odessa FL: Psychological Assessment resources.
- Suveg, C., Sood, E., Comer, J. S., & Kendall, P. C. (2008). Changes in emotion regulation following cognitive-behavioral therapy for anxious youth. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 38*, 390-401.
- Thompson, R. A. (2001). *Childhood anxiety disorders from the perspective of emotion regulation and attachment*. In M. W. Vasey, & M. R. Dadds (Eds.), *The developmental psychopathology of anxiety* (160e182). New York, NY: Oxford University Press.
- Tugade, M.M., & Fredrickson, B.L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology, 86*, 320-333.
- Tull, M.T., Gratz, K.L., Litzman, R.D., Kimbrel, N.A., & Lejuez, C.W. (2010). Reinforcement sensitivity theory and emotion regulation difficulties: a multimodal investigation. *Personality and Individual Differences, 49*, 989-994.
- Vasey, M. W., Daleiden, E. L., Williams, L. L., & Brown, L. M. (1995). Biased attention in childhood anxiety disorders: a preliminary study. *Journal of Abnormal Child Psychology, 23*, 267-279.
- Voight, D. C., Dillard, J. P., Braddock, K. H., Anderson, J. W., Sopory, P., & Stephenson, M. T. (2009). Carver and White's (1994) BIS/BAS scales and their relationship to risky health behaviours. *Personality and Individual Differences, 47*, 89-93.
- Weems, C., & Silverman, W. (2008). *Anxiety disorders*. In T. P. Beauchaine, & S. P. Hinshaw (Eds.), *Child and adolescent psychopathology* (447-476). Hoboken, NJ: John Wiley&Sons Inc.